

اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی

The effectiveness of film therapy on communication patterns and expressing positive feelings towards the spouse among couples with marital conflict

Leila Palizdar

MSc, Rehabilitation Counseling, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Mandana Niknam *

Assistant professor, Department of Psychology, Khatam University, Tehran, Iran.

m.niknam@khatam.ac.ir

لیلا پالیزدار

کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیک، تهران، ایران.

ماندانا نیکنام (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

Abstract

The aim of this study was to determine the effectiveness of film therapy on communication patterns and expressing positive feelings to spouses among couples with marital conflicts. This research utilized a pre-test and post-test experimental design with a control group and in this study, the study population was all couples referred to Valiasr Neighborhood in Tehran in the year 2019 who were selected according to inclusion criteria of 16 couples and were randomly assigned into two experimental and control groups (8 couples each). The experimental group received 8 sessions of 2-hour film therapy in 8 weeks and the control group did not receive any psychological intervention during this period. The participants were evaluated by O'Leary et al.'s (1983) Positive Feelings Questionnaire and Christensen and Sullaway's (1984) communication patterns Questionnaire. Data were analyzed using multivariate analysis of covariance test. The findings showed a significant difference between the two groups in communication patterns and expressing positive feelings to the spouse in the post-test stage ($P < 0.05$). From the above findings, it can be concluded that film therapy effectively improves communication patterns and positive feelings towards spouses in couples with marital conflicts.

Keywords: communication patterns, marital conflicts, movie therapy, positive feeling to spouse.

چکیده

هدف این پژوهش تعیین اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کلیه زوجین مراجعه کننده به سرای محله ولیعصر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که بر اساس معیارهای ورود ۱۶ زوج به صورت در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۸ زوج) جایگزین شدند. برای گروه آزمایش ۸ جلسه ۲ ساعته فیلم درمانی در ۸ هفته برگزار شد. شرکت کنندگان به وسیله پرسشنامه احساسات مثبت به همسر (PFQ) الری و همکاران (۱۹۸۳) و الگوهای ارتباطی (CPQ) کرستینسن و سالووی (۱۹۸۴) ارزیابی شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون تفاوت معناداری بین دو گروه در الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات مثبت به همسر در مرحله پس‌آزمون وجود دارد ($P < 0.05$). از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که فیلم درمانی بر بهبود الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی، فیلم درمانی، احساسات مثبت به همسر.

ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۱

پذیرش: آبان ۱۴۰۱

دریافت: فروردین ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

خانواده مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه برای ایجاد جامعه‌ای سالم است، اگر یک خانواده یا یک زوج، ارتباط سالم و به دور از تعارضات زناشویی با هم برقرار کرده باشند، می‌توان به ایجاد خانواده سالم و متعاقباً جامعه‌ای سالم اطمینان حاصل کرد. تعارضات در روابط زناشویی می‌تواند به عدم رضایت از روابط زناشویی بین زوجین منجر شود. زوجینی که سطح بالاتری از تعارضات زناشویی را تجربه می‌کنند کیفیت

اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی
The effectiveness of film therapy on communication patterns and expressing positive feelings towards the spouse ...

زناشویی پایین‌تری دارند (لی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). ارتباط یکی از عوامل مهمی است که نقش مهمی در ازدواج و تداوم آن دارد و مهارت‌های ارتباطی مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از رابطه زن و شوهر هستند. مهارت‌های ارتباطی توانایی انتقال بهینه و نمادین معناها و پیام‌هایی هستند که فرد در ذهن خود دارد و در صورتی که ارتباط زوجین از کیفیت بالایی برخوردار باشد، آنها می‌توانند به یکدیگر نزدیک‌تر بوده، افکار و عواطف خود را به اشتراک گذاشته، صمیمی‌تر بوده و از سوءتفاهم‌ها که عامل اصلی مشاجرات زوجین هستند، خودداری کرده و در نتیجه از با هم بودن لذت بیشتری ببرند (هریس و کومار^۲، ۲۰۱۸).

یکی از نظریه‌های مهم در تبیین الگوهای ارتباطی زوجین، نظریه الگوی ارتباطی کریستنسن و سالووی^۳ (۱۹۸۴) می‌باشد. بر اساس این نظریه الگوهای ارتباطی به سه الگوی ارتباط سازنده متقابل؛ اجتنابی متقابل و ارتباط توقع/کناره‌گیری (مرد متوقع/کناره‌گیری زن و زن متوقع/کناره‌گیری مرد) تقسیم شده است. الگوهای ارتباطی نقش مهمی در ایجاد صمیمیت بین زوجین دارند (پیکور^۴ و همکاران، ۲۰۲۱؛ پیکور و همکاران، ۲۰۱۷). در الگوی ارتباط سازنده متقابل نوع رابطه برد برد است و زوجین به راحتی درباره مسائل و تعارضات خود گفتگو می‌کنند و دنبال راه‌حل هستند (پیازچیان لنگرودی و عادلین، ۱۳۹۵). در الگوی اجتنابی متقابل تعارض بین زوجین شدید بوده و به گونه‌ای که بحث و جدل به یک الگوی دائمی و مخرب تبدیل می‌شود. در الگوی ارتباط توقع/کناره‌گیری یکی از زوجین سعی می‌کند که در ارتباط درگیر شود، در صورتی که دیگری کناره‌گیری می‌کند. تشدید الگوی ارتباط توقع/کناره‌گیری موجب مشکلات و تعارضات دائم زناشویی می‌شود (کریستنسن و سالووی، ۱۹۸۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و الگوهای ارتباطی سالم و سازنده باعث افزایش کیفیت زناشویی می‌شود (هریس و کومار، ۲۰۱۸).

ابراز احساسات مثبت در برابر همسر یکی دیگر از مولفه‌های سازش یافتگی زناشویی است و اشاره به این دارد که چند وقت یکبار زوجین به یکدیگر ابراز عشق می‌کنند؛ ابراز احساسات مثبت یکی از ویژگی‌های برجسته زندگی متعادل زوجین است و در هیچ مرحله‌ای از زندگی نمی‌توان احساس بی‌نیازی از عواطف کرد این در حالی است که بسیاری از زوجین اهمیت عواطف خود را در زندگی مشترک نادیده می‌گیرند. بسیاری از زوجین که برای درمان مراجعه می‌کنند اغلب آشفتگی‌های هیجانی زیادی دارند و اعتراف می‌کنند احساساتشان توسط همسرشان درک نمی‌شود و با الگوهای تدافعی که مانع اعتماد، نزدیکی و واکنش پسندیده می‌شود، تعامل برقرار می‌کنند (بلوم^۵، ۲۰۰۶). احتمال می‌رود روابط زناشویی آشفته، با کمبود عواطف و ابراز احساسات مثبت در برابر همسر و کمبود علاقه و احترام مواجه باشند بنابراین ابراز عواطف و احساسات می‌تواند مشکلات و تعارضات را تا حد زیادی کاهش دهد و هماهنگی عاطفی، فکری و رفتاری بین زوجین را برقرار سازد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برخورداری از صمیمیت در میان زوجین از عوامل مهم ثبات ازدواج است (کوب^۶ و همکاران، ۲۰۰۶). با توجه به اوضاع آشفته روابط زوجین و کاهش کارایی خانواده در تحقق وظایف خود، توجه به مشکلات زناشویی ضروری به نظر می‌رسد. امروزه روش‌ها و بسته‌های متعدد زوج درمانی تدارک دیده شده که هدف عمده آنها بهبود روابط زوجین است (التماس و ایمری^۷، ۲۰۱۵). یکی از روش‌ها درمان از طریق نمایش فیلم است. برخی معتقدند کاربرد رسانه‌های ویدیویی مانند نمایش فیلم در آموزش انواع مختلف مخاطبان و بیماران بسیار مفید است (لاورنس^۸ و همکاران، ۲۰۱۹). فیلم‌درمانی، تکنیک‌های هنری درمانی هستند که به وسیله آن افراد از طریق داستان‌های شخصیت‌های روی پرده که با مشکلاتی مشابه آنها کنار می‌آیند، در معرض مشکلات روانی-فیزیکی خود قرار می‌گیرند. درمانگر فیلم‌های تجاری را انتخاب می‌کند و از درمانجو می‌خواهد که آنها را به تنهایی یا با افراد خاص دیگر (مثلاً اعضای خانواده) ببیند. به ویژه، درمانگر فیلم‌هایی را انتخاب می‌کند که از نظر آنها به مشکلات درمانجو مربوط می‌شود و پس از تماشا، موضوعات اصلی را که از فیلم برمی‌خیزد با درمانجو در میان می‌گذارد (ساسی‌لوتو^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). می‌توان چهار مرحله برای فیلم درمانی در نظر گرفت که شامل شناسایی، تخلیه هیجانی، بینش و جهان شمولی می‌شود. شناسایی زمانی می‌باشد که بیننده شباهت‌هایی بین خود و شخصیت‌های داستان می‌یابد و زمانی که اجازه می‌دهد که هیجانات به سطح خودآگاه بیاید تخلیه هیجانی صورت می‌گیرد.

1. Li
2. Haris & Kumar
3. Christensen & Sullaway
4. Pickover
5. Blume
6. Cobb
7. Oltmanns & Emery
8. Lawrence
9. Sacilotto

بینش‌های هنگامی است که بین خود و شخصیت فیلم رابطه برقرار می‌سازد و جهان‌شمول بودن زمانی است که مراجع متوجه می‌شود که مشکلش منحصر به فرد نیست و می‌تواند راه‌های موثری برای حل آن پیدا کند. مطالعات نشان داده‌اند که فیلم درمانی امکان تقویت هیجانات مثبتی مانند شادی را فراهم می‌سازد (ساگی‌هارتو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). فیلم درمانی برای زوجین می‌تواند به عنوان یک تسهیل‌گر عمل کند که نه تنها باعث افزایش خودآگاهی و تخلیه هیجانی می‌شود بلکه می‌تواند بر کیفیت ارتباط زوجین و ابراز احساسات آنها تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه فیلم نمایش داده می‌شود و دارای صحنه‌های هیجان‌انگیز و موسیقی است، برای زوجین جذاب‌تر است و در مدت زمان کمتر می‌تواند آموزش بهینه‌تری داشته باشد (خزاعی و اوحدی ایران بد، ۱۳۹۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فیلم‌درمانی بر بسیاری از مشکلات روانشناختی موثر است؛ برای مثال ریموندا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که مشاوره گروهی با استفاده از رویکرد شناختی-رفتاری با سینما درمانی و فنون خودگویی بر کاهش اضطراب اجتماعی موثر است. ساگی‌هارتو و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که مداخله ترکیبی فیلم درمانی با درمان شناختی در کاهش اضطراب اجتماعی تأثیر دارد. ساسی‌لوتو و همکاران (۲۰۲۲) در یک پژوهش فراتحلیل دریافتند که فیلم درمانی که اغلب بر طرح‌های آزمایشی تکیه داشتند بر طیف وسیعی از متغیرهای روانشناختی مانند اضطراب و مشکلات رفتاری و مسایل زناشویی تأثیر معنی‌داری داشته است. گالوای^۳ و همکاران (۲۰۱۵) با هدف اثربخشی فیلم درمانی بر انتظارات غیرواقعی جوانان در مورد عشق و ازدواج نشان دادند که پیام‌های دریافت شده از فیلم می‌تواند سطح انتظارات غیرواقعی جوانان در مورد عشق و ازدواج را کاهش دهد. خزاعی و اوحدی ایران بد (۱۳۹۷) نشان دادند که آموزش با فیلم بر رضایت زناشویی تأثیر معنی‌داری دارد. با توجه به آنچه گفته شد در بسیاری از موارد علت ایجاد تعارضات زناشویی، عدم توانایی زوجین در برقراری ارتباط سالم و عدم آگاهی و مهارت آنان در ابراز احساسات مثبت به همسر می‌باشد از سوی دیگر به علت مقرون به صرفگی و احتمال اثربندی سریع‌تر فیلم درمانی و وجود پژوهش‌های اندک در زمینه به کارگیری فیلم درمانی در نمونه زوجین، هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی بود.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به سرای محله شهرک ولیعصر شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بودند. گروه نمونه پژوهش شامل ۱۶ زوج دارای مشکلات زناشویی بود که با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش به صورت در دسترس از جامعه آماری انتخاب شدند و سپس به صورت تصادفی در گروه آزمایش (۸ زوج) و گواه (۸ زوج) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: دامنه سنی بین ۲۵ تا ۴۵ سال، مراجعه زوجین به مرکز مشاوره به علت مشکلات زناشویی اظهار شده توسط افراد و گذشتن حداقل ۳ سال از زمان ازدواج. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: غیبت بیش از دو جلسه در جلسات درمانی، ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانشناختی شدید و دریافت سایر درمان‌های روانشناختی در حین انجام پژوهش. پس از دادن فراخوان‌های نوشتاری در سرای محله شهرک ولیعصر، ۳۵ زوج، متقاضی شرکت در پژوهش شدند و بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند و از بین آنها ۲۰ زوج واجد شرایط مورد نظر پژوهش شناسایی شدند و پس از توجیه آنان در خصوص برنامه درمانی و با توجه به پیش‌بینی ریزش به عنوان نمونه وارد پژوهش شدند و سپس به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند که از این تعداد در نهایت ۱۶ زوج باقی ماندند ۸ زوج در گروه آزمایش و ۸ زوج در گروه گواه. هر دو گروه، پرسشنامه‌های الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت به همسر را در مرحله پیش‌آزمون تکمیل کردند. جلسات مداخله برای گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۲ ساعته، به صورت هفته‌ای یک جلسه در سرای محله ولیعصر برگزار شد و در نهایت بعد از اتمام جلسات درمانی مجدداً دو گروه آزمایش و گواه پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. ملاحظات اخلاقی در پژوهش حاضر شامل تکمیل فرم رضایت‌نامه کتبی شرکت در پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات افراد گروه‌ها، در جریان قرار دادن مشارکت‌کنندگان از فرآیند برنامه مداخله‌ای در طی اجرای مداخله بود. پرسشنامه‌های پژوهش برای هر دو گروه در پیش‌آزمون

1. Sugiharto
2. Rimonda
3. Galloway

و پس‌آزمون به صورت گروهی اجرا شد. داده‌ها به روش تحلیل کواریانس چند متغیری و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه احساسات مثبت به همسر (PFQ): این پرسشنامه توسط الری^۲ و همکاران (۱۹۸۳) ساخته شده است که با ۱۷ سؤال و دو مولفه احساسات کلی نسبت به همسر و احساس مثبت به همسر را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری پرسشنامه در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از ۱= فوق‌العاده منفی تا ۷ فوق‌العاده مثبت نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این پرسشنامه از طریق بازآزمایی با فاصله ۱ تا ۳ هفته، ۰/۹۳ و ضریب همبستگی این پرسشنامه با سازگاری زناشویی ۰/۷ گزارش شد که نشان از روایی همگرای مطلوب می‌باشد (اولری و همکاران، ۱۹۸۳). در داخل کشور نیز در پژوهش محمودی و همکاران (۱۳۹۴) همسانی درونی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برای کل سوالات گزارش گردید و روایی آن از طریق روایی صوری مورد تایید قرار گرفت. همسانی درونی این پرسشنامه در ایران برابر با ۰/۸۹ محاسبه شده است و با توجه به همبستگی معنادار آن با آزمون سازگاری زناشویی و مقیاس ارتباط ناوران از روایی همزمان بسیار خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب ۰/۸۱ به دست آمده است.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ): این پرسشنامه توسط کریستین و سالوی (۱۹۸۴) تهیه شده است که ۳۵ سوال دارد و در یک مقیاس نه درجه ای از اصلا امکان ندارد (۱) تا خیلی امکان دارد (۹) درجه بندی شده است. این پرسشنامه سه مولفه ارتباط سازنده متقابل (تفاضل سوالات الف ۲، ب ۲، ۴ با سوالات ب ۱، ۳، ب ۱۵ مرد و ب ۱۶ زن)؛ اجتنابی متقابل با سوالات الف ۱، ج ۲ و ج ۴ و ارتباط توقع/کناره‌گیری (خرده مقیاس مرد متوقع/کناره‌گیری زن با سوالات الف ۳ مرد، ب ۵ مرد، ب ۷ مرد و زیر مولفه زن متوقع/کناره‌گیری مرد با سوالات الف ۴ زن، ب ۶ زن و ب ۸ زن) را اندازه‌گیری می‌کند. همسانی درونی پرسشنامه در پژوهش لی و جانسون (۲۰۱۸) با استفاده از آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۹ تا ۰/۸۴ به دست آمده است و روایی آن نیز توسط روایی محتوایی تایید گردیده است. در ایران صمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) اعتبار و روایی مقدماتی پرسشنامه را در نمونه‌ای از زنان و مردان ایرانی بررسی کردند و نشان دادند که پرسشنامه از همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۶ برخوردار بود و روایی همگرایی پرسشنامه با پرسشنامه‌های زوجی انریچ، سازگاری زناشویی، رضایتمندی و عزت نفس از ۰/۳۰ تا ۰/۹۵ بود. معصومی و همکاران (۱۳۹۴)، در بررسی همسانی درونی با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای ارتباط سازنده متقابل ۰/۶۱، اجتنابی متقابل ۰/۶۲ و ارتباط توقع/کناره‌گیری ۰/۵۰ (مرد متوقع/کناره‌گیری زن ۰/۵۱ و زن متوقع/کناره‌گیری مرد ۰/۴۷) به دست آوردند. در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمده است.

همچنین در جدول ۱ خلاصه‌ای از پروتکل فیلم درمانی که توسط خزایی و اوحدی (۱۳۹۷) تدوین شده است، آورده شده است.

جدول ۱. جلسات فیلم درمانی و نحوه برگزاری

جلسه	موضوع	محتوی
اول	معرفی مبانی آموزش	آشنایی با اعضای گروه - شرح قوانین و قواعد مشاوره گروهی - تعیین اهداف
جلسه دوم	تعریف و توضیح مشکل جلسات	توضیح مختصر درباره فیلم‌های قابل نمایش در طی جلسات - تعریف رضایت مندی زوجین
جلسه سوم	آموزش زبان بدن	فیلم امتیاز نهایی: علاوه بر تعهد و صداقت بین زن و مرد - زبان بدن و عشوه‌گری و رفتار متقابل
جلسه چهارم	بیان احساسات آموزش کلامی و غیر کلامی	فیلم بر باد رفته: برون‌گرایی در مقابل عدم ابراز احساسات و توضیحات کامل راجع به رفتارهای شخصیت فیلم و آموزش کلامی و غیر کلامی
جلسه پنجم	عدم ابراز احساسات و آموزش نحوه بیان	فیلم از اینجا تا ابدیت: برای آقایانی که مشکل عدم ابراز احساسات دارند
جلسه ششم	روابط فرازناشویی	فیلم پیشنهاد بی شرمانه

1. Positive Feelings Questionnaire (PFQ)

2. Oleary

3. Communication Patterns Questionnaire (CPQ)

جلسه هفتم	عشوه گری و زبان بدن	فیلم زن زیبا: آموزش زبان بدن به خانم‌ها و پوزیشن‌های مختلف
جلسه هشتم	درخودماندگی و افسردگی	فیلم ماری آنتوانت: درخود ماندگی زوجین و آموزش نحوه بیان درست آن
جلسه نهم	روابط زناشویی و عواقب آن	فیلم قلب‌های جنگ: آگاهی و عواقب رفتار نابهنجار
جلسه دهم	آموزش بیان و رفتار و زبان بدن آقایان	فیلم دکتر ژیاگو

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان دادند که در زوجین گروه آزمایش ۷ نفر (۴۳/۷۵ درصد) از افراد نمونه ۲۵ تا ۳۰ ساله، ۶ نفر (۳۷/۵ درصد) ۳۱ تا ۳۵ ساله و ۳ نفر (۱۸/۷۵ درصد) ۳۶ سال به بالا بودند. در زوجین گروه گواه ۶ نفر (۳۷/۵ درصد) از افراد نمونه ۲۵ تا ۳۰ ساله، ۷ نفر (۴۳/۷۵ درصد) ۳۱ تا ۳۵ ساله و ۳ نفر (۱۸/۷۵ درصد) ۳۶ سال به بالا بودند. در زوجین گروه آزمایش ۲ نفر (۱۲/۵ درصد) دیپلم، ۶ نفر (۳۷/۵ درصد) فوق دیپلم، ۴ نفر (۲۵ درصد) لیسانس و ۴ نفر (۲۵ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بودند. در زوجین گروه گواه ۱ نفر (۶/۲۵ درصد) دیپلم، ۷ نفر (۴۳/۷۵ درصد) فوق دیپلم، ۴ نفر (۲۵ درصد) لیسانس و ۴ نفر (۲۵ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بودند. در ادامه یافته‌های آمار توصیفی و آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف-اسمیرنوف	
					آماره Z	سطح معناداری
ارتباط سازنده متقابل	آزمایش	پیش آزمون	۹/۳۱	۱/۵۸	۰/۰۷۴	۰/۰۷۵
		پس آزمون	۲۵/۸۱	۱/۷۶	۰/۰۷۷	۰/۰۵۸
	گواه	پیش آزمون	۸/۶۳	۲/۲۸	۰/۰۵۸	۰/۲۶۹
		پس آزمون	۹/۲۱	۲/۱۴	۰/۰۷۹	۰/۱۲۷
ارتباط اجتنابی متقابل	آزمایش	پیش آزمون	۱۶/۷۵	۲/۳۵	۰/۰۷۱	۰/۰۹۵
		پس آزمون	۱۱/۶۳	۱/۸۲	۰/۰۶۷	۰/۱۳۲
	گواه	پیش آزمون	۱۷/۳۸	۱/۹۹	۰/۰۷۵	۰/۰۶۷
		پس آزمون	۱۶/۹۴	۱/۸۸	۰/۰۶۰	۰/۲۲۷
مرد متوقع/کناره‌گیری زن	آزمایش	پیش آزمون	۱۶/۳۸	۲/۲۵	۰/۰۹۵	۰/۰۶۷
		پس آزمون	۱۲/۱۹	۱/۰۵	۰/۱۱۱	۰/۰۷۰
	گواه	پیش آزمون	۱۷/۰۰	۲/۰۰	۰/۰۱۵	۰/۲۴۷
		پس آزمون	۱۵/۸۸	۲/۰۹	۰/۰۹۷	۰/۰۶۹

ادامه جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف-اسمیرنوف	
					آماره Z	سطح معناداری
زن متوقع/کناره‌گیری مرد	آزمایش	پیش آزمون	۱۶/۶۹	۱/۸۹	۰/۰۴۹	۰/۷۷۰
		پس آزمون	۱۱/۴۴	۱/۵۰	۰/۰۷۹	۰/۲۱۲
	گواه	پیش آزمون	۱۶/۰۶	۱/۵۷	۰/۰۷۰	۰/۳۴۹
		پس آزمون	۱۶/۶۳	۲/۲۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳
احساسات کلی نسبت به همسر	آزمایش	پیش آزمون	۱۱/۱۹	۱/۲۲	۰/۰۸۶	۰/۰۵۲

متغیرها	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف-اسمیرنوف	
					آماره Z	سطح معناداری
احساس مثبت به همسر	گواه	پس آزمون	۱۸/۵۶	۱/۶۷	۰/۰۶۵	۰/۱۱۶
		پیش آزمون	۱۰/۹۴	۱/۱۸	۰/۰۵۳	۰/۳۱۶
		پس آزمون	۱۱/۵۶	۳/۰۵	۰/۰۸۲	۰/۱۲۹
		پیش آزمون	۱۴/۵۶	۱/۴۱	۰/۰۷۲	۰/۱۹۸
	آزمایش	پس آزمون	۲۱/۸۱	۲/۲۶	۰/۰۷۷	۰/۱۵۵
		پیش آزمون	۱۴/۰۰	۱/۳۷	۰/۰۹۱	۰/۰۵۶
		پس آزمون	۱۵/۴۴	۳/۹۳	۰/۰۶۹	۰/۳۶۵
		پیش آزمون				

بر اساس جدول ۲، میانگین نمرات تمامی متغیرها در پس آزمون نسبت به پیش آزمون در گروه آزمایش افزایش یافته است، اما در گروه گواه تفاوت چندانی مشاهده نمی شود. همچنین نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد پژوهش در هر دو مرحله بود. بنابراین، فرض نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار است ($P > 0.05$). براین اساس استفاده از تحلیل پارامتریک بلا مانع است.

به منظور انجام تحلیل کوواریانس چندمتغیره، ابتدا پیشفرض همگونی شیب خط رگرسیون با آزمون F اثرات تقابلی بررسی شد. نتایج حاصل از F محاسبه شده برای متغیرهای ارتباط سازنده متقابل ($F = 0.562$, $P > 0.05$)، ارتباط اجتنابی متقابل ($F = 0.820$, $P > 0.05$)، مرد متوقع/کناره گیری زن ($F = 1.731$, $P > 0.05$)، زن متوقع/کناره گیری مرد ($F = 2.152$, $P > 0.05$)، احساسات کلی نسبت به همسر ($F = 4.271$, $P > 0.05$) و احساس مثبت به همسر ($F = 3.251$, $P > 0.05$) حاکی از رعایت این پیش فرض بود. علاوه بر این واریانس از طریق آزمون لون (ارتباط سازنده متقابل، $F = 0.149$, $P > 0.05$)؛ ارتباط اجتنابی متقابل، $F = 1.577$, $P > 0.05$ ؛ مرد متوقع/کناره گیری زن، $F = 2.427$, $P > 0.05$ ؛ زن متوقع/کناره گیری مرد، $F = 0.017$, $P > 0.05$ ؛ احساسات کلی نسبت به همسر، $F = 1.758$, $P > 0.05$ و احساس مثبت به همسر، $F = 3.806$, $P > 0.05$) حاکی از برقرار بودن این پیشفرض برای متغیرهای وابسته بود. علاوه بر نتایج پیشفرض همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس نیز از طریق آزمون ام-باکس حاکی از نبود تفاوت بین واریانس ها ($P = 0.064$, $F = 1.508$, $M-Box = 4.0501$) بود؛ بنابراین، برای انجام ادامه تحلیل مانعی وجود نداشت. در ادامه نتایج مربوط به مربوط به شاخص های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیره ارائه شده است (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج مربوط به شاخص های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیره متغیرهای پژوهش

اثر	شاخص های اعتباری	مقدار	مقدار F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه	اثر پیلایی	۰/۸۸۲	۳۹/۱۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۸۲
	لامبدای ویلکز	۰/۱۱۸	۳۹/۱۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۸۲
	اثر هتلینگ	۷/۴۴۸	۳۹/۱۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۸۲
	بزرگترین ریشه روی	۷/۴۴۸	۳۹/۱۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۸۲

با توجه به نتایج جدول ۳ با کنترل اثر پیش آزمون، سطح معناداری آزمون لامبدای ویلکز، حاکی از این است که حداقل از نظر یکی از متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد و نشانگر آن است که ۸۸ درصد از تفاوت مشاهده شده در میانگین متغیرهای پژوهش مربوط به تأثیر آموزش فیلم درمانی می باشد ($P < 0.01$) و در ادامه نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) برای متغیرهای پژوهش ارائه شده است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکووا) برای متغیرهای پژوهش

منبع تغییرات	متغیرها	آماره F	معنی داری	ضریب اتا	توان آماری
پیش آزمون	ارتباط سازنده متقابل	۱۰/۳۶۲	۰/۰۰۳	۰/۲۷۷	۰/۹۷۳
	ارتباط اجتنابی متقابل	۱۵/۸۵۸	۰/۰۰۱	۰/۳۷۰	۰/۹۷۰
	مرد متوقع/کناره‌گیری زن	۱۴/۷۸۸	۰/۰۰۱	۰/۳۵۴	۰/۹۶۰
	زن متوقع/کناره‌گیری مرد	۱۴/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۳۴۲	۰/۹۵۱
	احساسات کلی نسبت به همسر	۴۲/۲۱۱	۰/۰۰۱	۰/۶۱۰	۱
	احساس مثبت به همسر	۱۱/۲۰۵	۰/۰۰۲	۰/۲۹۳	۰/۹۹۷
گروه	ارتباط سازنده متقابل	۴۰/۰۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۲۵	۰/۹۹۹
	ارتباط اجتنابی متقابل	۴۷/۲۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۶۳	۰/۹۹۹
	مرد متوقع/کناره‌گیری زن	۳۳/۲۵۳	۰/۰۰۱	۰/۵۸۱	۰/۹۹۹
	زن متوقع/کناره‌گیری مرد	۳۹/۹۳۶	۰/۰۰۱	۰/۶۲۵	۰/۹۹۹
	احساسات کلی نسبت به همسر	۱۶/۵۲۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸۹	۰/۹۷۴
	احساس مثبت به همسر	۱۱/۶۹۴	۰/۰۰۲	۰/۳۱۰	۰/۹۰۸

بر اساس نتایج جدول ۴، با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر همپراش (کمکی)، آموزش فیلم درمانی منجر به تفاوت معنادار بین گروهها در تمامی متغیرهای تحقیق در زمینه الگوهای ارتباطی و احساسات کلی و مثبت به همسر ($P < 0/01$) شد؛ بدین معنا که بخشی از تفاوت‌های فردی در متغیرهای پژوهش (الگوهای ارتباطی و احساسات کلی و مثبت به همسر) در بین زوجین به دلیل تفاوت در عضویت گروهی (تأثیر مداخله) بود. میزان تأثیر آموزش فیلم درمانی بر بهبود ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل، مرد متوقع/کناره‌گیری زن، زن متوقع/کناره‌گیری مرد و احساسات کلی و مثبت به همسر در بین زوجین به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۶، ۰/۵۸، ۰/۶۳، ۰/۳۹ و ۰/۳۱ به دست آمد؛ از این رو می‌توان مطرح کرد که آموزش فیلم درمانی بر بهبود الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی بود. نتایج نشان داد که فیلم درمانی بر افزایش ابراز احساسات مثبت به همسر و الگوهای ارتباطی در زوجین دارای تعارضات زناشویی مؤثر است. پژوهشی که نشان داده باشد فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات در زوجین دارای تعارضات زناشویی مؤثر است یافت نشد اما می‌توان گفت این نتایج با نتایج تحقیقات خزاعی و اوحدی ایران بد (۱۳۹۷)، ساگی‌هارتو و همکاران (۲۰۲۲)، ساسی‌لوتو و همکاران (۲۰۲۲)، ریموندا و همکاران (۲۰۱۸)، و گالوای و همکاران (۲۰۱۵) همسو بود.

در تبیین اثربخشی فیلم درمانی بر الگوهای ارتباطی می‌توان گفت الگوهای ارتباطی سازگار و ناسازگار ارتباطی موجود در فیلم، این امکان را به زوجین می‌دهد که متوجه خطاهای موجود در روابطشان شوند و همچنین از این الگوهای کارآمد در فیلم برای حل مشکلات زناشویی خود استفاده می‌کنند. وقتی زوجین از مهارت‌ها و فنون ارتباطی که قهرمانان داستان فیلم، برای بهبود مشکلات خود استفاده می‌کنند امکان یادگیری این مهارت‌ها و فنون ارتباطی سالم در زندگی زوجین پیدا می‌شود و با استفاده از الگوهای سازنده ارتباطی، روابط خود را تقویت می‌کنند. تمرین و استفاده از الگوهای ارتباطی سازنده در روابط زناشویی باعث می‌شود آنها کمتر مشکلات زناشویی را تجربه کنند و درگیر تعارضات زناشویی شود. عموماً فیلم‌ها سطح انگیزتگی و شادکامی بینندگان را گسترش می‌دهند و منجر به تجربیات هیجانی بهتر در هر دو حیطه روانشناختی و ذهنی می‌شوند. فیلم معمولاً در بیننده بیشتر موجب برانگیخته شدن پاسخ‌های هیجانی می‌شود تا منطقی، که این امر از آنجا که موجب هدایت تضادهای درونی و عواطف به سطح خودآگاه ذهن بیننده می‌شود به تخلیه هیجانی منجر می‌شود (ساسی‌لوتو و همکاران، ۲۰۲۲). فیلم درمانی می‌تواند سازگاری را در زوجین بهتر ارتقاء داده و موقعیت‌هایی را برای بحث گروهی سازنده و تعامل کارآمد در بین زوجین فراهم بیاورد که باعث تعامل آنها می‌شود. وقتی زوجین در کنار دیدن فیلم در مورد سکانس‌ها و

بخش‌های مختلف فیلم باهمدیگر بحث سازنده و تعامل کارآمد بکنند باعث می‌شوند که نحوه برقراری رابطه سازنده با همدیگر را یاد بگیرند و این گفتگوهای کلامی به آنان کمک می‌کند تا بتواند از طریق ارتباط سازنده به کاهش مشکلات زندگی زناشویی خود کمک کند. با توجه به موارد گفته شده فیلم درمانی با تخلیه هیجانی در زوجین، افزایش سازگاری و ایجاد بحث‌های دو نفره سازنده، ایجاد و گسترش حمایت‌های زناشویی و افزایش برون‌ریزی، در نهایت ایجاد شادکامی در روابط زوجین را فراهم می‌کند. شادی ایجاد شده در فیلم درمانی را می‌توان با عناوین دیگری مانند قدردانی از زندگی، احساس درونی خوشحال بودن، احساس رضایت و علاقه به خود نیز بیان کرد (لاورنس و همکاران، ۲۰۱۹). وقتی زوجین از میزان شادی و تعامل سازنده بالایی برخوردار باشند در مواجهه با تعارضات و مشکلات زناشویی از الگوهای ارتباطی سازنده استفاده می‌کنند و از توقع بی‌مورد و کناره‌گیری مخرب اجتناب می‌کنند.

همچنین نتایج نشان داد که فیلم درمانی بر احساسات مثبت به همسر در زوجین دارای تعارضات زناشویی موثر است. در این زمینه می‌توان گفت در مقایسه با آموزش و توصیه‌های روانشناسان و روان‌پزشکان، گاهی با کمک فیلم‌ها می‌توان شیوه بهتری برای زندگی کردن را در زمان نسبتاً کوتاهی به زوجین دارای تعارض آموزش داد. فیلم‌هایی که موضوعات رمانتیک دارند هم به مردان کمک می‌کنند تا دریابند که زنان چه نیازهای عاطفی دارند و در روابط عاطفی به چه چیزهایی بها می‌دهند و هم به زنان در درک نیازهای عاطفی مردان کمک می‌کند. زوجین در فرایند فیلم درمانی با آگاهی از فهم و فرمولاسیون روانشناختی طرف مقابل، تعامل عاطفی، هیجانی و رفتاری مناسب‌شان را برمی‌گزینند و نسبت به چپستی و چگونگی مشکل‌شان در ایجاد رابطه سالم آگاهی می‌یابند و با توجه به میزان درک و بینش‌شان به همدیگر به راحتی در یک رابطه سالم، احساساتشان را نسبت به همسر ابراز می‌کنند. از منظر دیگر می‌توان به این نکته اشاره داشت که بسیاری از زوجین که چه به لحاظ فرهنگی و یا عدم مهارت، افکار و احساساتشان را دانسته یا نادانسته پنهان می‌کنند که این مساله دلیل ایجاد بسیاری از مشکلات می‌شود، فیلم درمانی به آنها کمک می‌کند که با احساساتشان روبرو شوند، آنها را بشناسند، شجاعانه با محدودیت‌ها و کاستی‌های احساسی موجود در روابطشان مواجه شوند و خود را برای مواجهه بهتر با این مشکلات و حل آنها مهیا سازند. از طرفی دیگر وقتی زوجین به صورتی گروهی به دیدن فیلم‌های درمانی می‌نشینند و تجربیات خود را در حین دیدن فیلم به هم منتقل می‌کنند و مشکلاتی مشترکی که دارند را باهم در میان می‌گذارند و با استفاده از راهکارهایی که در فیلم به آن دست یافته‌اند سعی می‌کنند نقصان‌های موجود در ابراز احساسات خود را شناسایی کنند و با شناخت جمعی و گروهی نیز زوجین در ابراز احساسات نسبت به همدیگر مهارت پیدا می‌کنند.

به طور کلی با توجه به نتایج پژوهش حاضر، میتوان از فیلم‌درمانی به صورت مؤثری در جهت بهبود الگوهای ارتباطی و ابراز احساسات مثبت به همسر استفاده کرد. فیلم درمانی با استفاده از عناصر هنری درمانی ویژه خود و برخورداربودن از ویژگی‌هایی نظیر کمک به ایجاد بینش و آگاهی، تخلیه هیجانی و بازسازی بن‌مایه‌های ناسازگار در روابط، در ایجاد مهارت در ابراز احساسات مثبت به همسر و اصلاح الگوهای ارتباطی کمک می‌نماید.

محدودیت نمونه که به زوجین مراجعه‌کننده به سرای محله شهرک ولیعصر شهر تهران اختصاص داشت؛ عدم بررسی و کنترل برخی متغیرهای مزاحم مانند تعداد فرزندان، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و اشتغال که امکان دارد روی متغیرهای پژوهش تأثیرگذار باشد، استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس با توجه به مراجعانی که به سرای محله مراجعه نموده‌اند و همچنین عدم امکان انجام دوره پیگیری به دلیل محدودیت زمانی و مکانی، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار می‌آیند که امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با محدودیت مواجه می‌سازد. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران، اثربخشی فیلم درمانی را برای بازه‌های زمانی دیگر و نیز سایر مناطق شهر تهران و نیز سایر استان‌ها مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود که بمنظور ارزیابی بهتر نتایج، نسبت به انجام آزمون دوره پیگیری در هردو گروه نیز اقدام شود.

منابع

- پیازچیان لنگرودی، ف.، و عادلپان، ح. (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی: کاربران فضای مجازی شهر لنگرود. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۱۰)، ۲۳۳-۲۰۳. [Doi: 10.22054/RJSW.2016.9375](https://doi.org/10.22054/RJSW.2016.9375)
- ثنائی، ب. (۱۳۸۸). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- خزاعی، ه.، و اوحدی ایران بد، ب. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش با فیلم بر رضایت زناشویی زوجین. *فصلنامه سواد سلامت*، ۳(۳)، ۱۶۳-۱۷۳.
- <https://civilica.com/doc/887556>

- صمدزاده، م.، شعیری، م.، و جاویدی، ن. (۱۳۹۲). پرسشنامه الگوهای ارتباطی: اعتبار و روایی، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳ (۱)، ۱۵۰-۱۲۴. [20.1001.1.22516654.1392.3.1.7.9](https://doi.org/10.1001.1.22516654.1392.3.1.7.9)
- محمودی، م.، زهراکار، ک.، امیریان، ا.، داورنیا، ر. و بابایی گرمخانی، م. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش گروهی برنامه کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه در ارتقاء رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت و صمیمیت زناشویی زوج‌ها. *مجله پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۳ (۱۰)، ۸۸۱-۸۶۹. [URL: http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-2768-fa.html](http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-2768-fa.html)
- معصومی، س.، رضاییان، ح.، و حسینیان، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین. *مطالعات زن و خانواده*، ۵ (۱)، ۱۰۱-۷۹. [doi: 10.22051/jwfs.2017.10686.1179](https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.10686.1179)
- Aversa, F., Nimbi, F. M., & Simonelli, C. (2017). PS-02-011 Sexism and sexual dysfunctional beliefs: exploring the association with sexual and relational satisfaction. *The Journal of Sexual Medicine*, 14(4), e113. [doi:10.1016/j.jsxm.2017.03.092](https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2017.03.092)
- Blume, T. W. (2006). *Becoming a family counselor: A bridge to family therapy theory and practice*. John Wiley & Sons.
- Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). Communication patterns questionnaire. *Unpublished manuscript, University of California, Los Angeles*.
- Cobb, A. R., Tedeschi, R. G., Calhoun, L. G., & Cann, A. (2006). Correlates of posttraumatic growth in survivors of intimate partner violence. *Journal of Traumatic Stress: Official Publication of The International Society for Traumatic Stress Studies*, 19(6), 895-903. <https://doi.org/10.1002/jts.20171>
- Galloway, L., Engstrom, E., & Emmers-Sommer, T. M. (2015). Does Movie Viewing Cultivate Young People's Unrealistic Expectations About Love and Marriage?. *Marriage & Family Review*, 51(8), 687-712. <https://doi.org/10.1080/01494929.2015.1061629>
- Haris, F., & Kumar, A. (2018). Marital satisfaction and communication skills among married couples. *Indian journal of social research*, 59(1), 35-44.
- Lawrence, E. M., Rogers, R. G., Zajacova, A., & Wadsworth, T. (2019). Marital happiness, marital status, health, and longevity. *Journal of Happiness Studies*, 20(5), 1539-1561. <https://doi.org/10.1007/s10902-018-0009-9>
- Li, P. F., & Johnson, L. N. (2018). Couples' depression and relationship satisfaction: examining the moderating effects of demand/withdraw communication patterns. *Journal of Family Therapy*, 40, S63-S85. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/1467-6427.12124>
- Li, X., Cao, H., Lan, J., Ju, X., Zheng, Y., Chen, Y., & Fang, X. (2019). The association between transition pattern of marital conflict resolution styles and marital quality trajectory during the early years of Chinese marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36 (1), 153-186. <https://doi.org/10.1177/0265407517721380>
- O'Leary, K. D., Fincham, F., & Turkewitz, H. (1983). Assessment of positive feelings toward spouse. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 51(6). <https://doi.org/10.1037/0022-006X.51.6.949>
- Oltmanns, T. F., & Emery, R. E. (2015). *Abnormal psychology*. Upper Saddle River, NJ: Pearson.
- Pickover, A. M., Dodson, T. S., Tran, H. N., Lipinski, A. J., & Beck, J. G. (2021). Factor structure of the Communication Patterns Questionnaire in violence-exposed women. *Journal of interpersonal violence*, 36(19-20), 9352-9370. <https://doi.org/10.1177/0886260519867147>
- Pickover, A. M., Lipinski, A. J., Dodson, T. S., Tran, H. N., Woodward, M. J., & Beck, J. G. (2017). Demand/withdraw communication in the context of intimate partner violence: Implications for psychological outcomes. *Journal of anxiety disorders*, 52, 95-102. <https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2017.07.002>
- Rimonda, R., Wibowo, M. E., & Jafar, M. (2018). The Effectiveness of Group Counseling by Using Cognitive Behavioral Therapy Approach with Cinematherapy and Self-talk Techniques to Reduce Social Anxiety at SMK N 2 Semarang. *Jurnal Bimbingan Konseling*, 7(2), 145-152. <https://journal.unnes.ac.id/sju/index.php/jubk/article/view/25773>
- Sacilotto, E., Salvato, G., Villa, F., Salvi, F., & Bottini, G. (2022). Through the Looking Glass: A Scoping Review of Cinema and Video Therapy. *Frontiers in Psychology*, 6103. [doi: 10.3389/fpsyg.2021.732246](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.732246)
- Sugiharto, D. Y. P., & Awalya, A. (2022). The Effectiveness of Cognitive Behaviors Therapy Group Counseling with Cognitive Restructuring Techniques and Cinematherapy Techniques to Reduce Academic Anxiety. *Jurnal Bimbingan Konseling*, 11(1), 9-15. [Doi: 10.15294/JUBK.V11I1.55541](https://doi.org/10.15294/JUBK.V11I1.55541)

